

شخصیات الرحلة

شخصیت‌های سفر

الأول: هو العبد الصالح، ذكره موسى بقوله: (لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقْبًا)، أي إن القرآن سماه مجمع البحرين ، وسيأتي تفصيل عن هذا الشخص.

۱- عبد صالح که موسی در این سخن خود «(من همچنان خواهم رفت تا آنجا که دو دریا به هم رسیده‌اند؛ یا می‌رسم یا عمرم به سر می‌آید)» از او یاد کرده است. به عبارت دیگر، قرآن او را مجمع البحرين نام نهاده است. در بخش‌های بعدی، تفصیل این شخص، خواهد آمد.

الثاني: هو موسى (ع) ، نبي من أولي العزم من الرسل وهو الشخصية الرئيسية والبارزة وغني عن التعريف والرحلة مختومة باسمه (ع).

۲- موسی(ع) یکی از پیامبران اولو العزم و شخصیت مهم و برجسته‌ای است که از تعریف و توصیف بی‌نیاز می‌باشد. این سفر، به اسم ایشان خاتمه یافته است.

الثالث: هو يوشع بن نون (ع) الذي سمي فتى (وَأِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ) ولهذه التسمية خصوصية، فالفتى يراد بها الشجاع قوي البنية فكما سمي القرآن يوشعاً بالفتى صاح جبرائيل (ع): (لا فتى إلا علي)، وعلي بن أبي طالب (ع) معروف كيف فتح الحصون وقتل أبطال الكفار، وهذا الفتى يوشع أيضاً لا يخفى أنه من دخل الأرض المقدسة بعد موت موسى (ع) وقاد بني إسرائيل بعد موسى (ع). فيوشع بن نون هو وصي موسى(ع) الذي قاد بني إسرائيل بعد موت موسى (ع) وقاتل الكفار وفتح مدن الكفر ونشر دين الله في الأرض المقدسة.

۳- يوشع بن نون(ع) است که «فتی» (جوانمرد) نام گرفته است: «(و موسی به شاگرد خود گفت)» و این نام‌گذاری دارای امتیاز خاصی است؛ منظور از «فتی»، شخص شجاع و تنومند و زورآور است. همان‌طور که قرآن، یوشع را فتی نامیده، جبرئیل(ع) نیز ندا به «لا فتی الا علی» بلند کرده است. معلوم و مشهور است که علی بن ابی‌طالب(ع) چگونه قلعه‌ها را فتح کرد و پهلوئان کفرپیشه را به خاک هلاکت افکند. ضمناً پوشیده نیست که این فتی یعنی یوشع، پس از وفات موسی(ع) وارد سرزمین مقدس شد و پس از موسی(ع) بنی اسرائیل را رهبری کرد. پس یوشع بن نون، وصی موسی(ع) است که پس از وفات موسی(ع) بنی اسرائیل را راهبری کرد، با کفار جنگید، شهرهای کافران را فتح نمود و دین الهی را در سرزمین مقدس رواج داد.

عن أبي حمزة، عن أبي جعفر (ع) قال: (كان وصي موسى بن عمران (ع) يوشع بن نون، وهو فتاه الذي ذكره الله في كتابه) ([20]).

ابو حمزه از امام ابو جعفر محمد باقر (ع) نقل کرده است که فرمود: «یوشع بن نون، وصی موسی بن عمران (ع) بود، و او همان جوانی است که خداوند در کتابش از او یاد کرده است» [21]

ودور یوشع (ع) انتهى عند التقاء موسى (ع) بالعبد الصالح وبقي كمرافق متفرج يتعلم مما يرى، ولم يكن له موقف مستقل بل كانت مواقفه مطابقة تابعة لمواقف موسى (ع)، ولذا ذكر الله في القرآن الاثنين موسى (ع) والعبد الصالح دون يوشع (ع)؛ لأنه لم يكن له دور في هذه الرحلة: (فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكَبَا فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيََا غُلَامًا فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ).

به هنگام ملاقات حضرت موسی (ع) با عبد صالح (ع)، وظیفه و نقش یوشع (ع) پایان می‌یابد و مانند یک همراه و تماشاچی، از آنچه می‌بیند، به فراگیری علم و دانش می‌پردازد. وی موضع مستقلی ندارد بلکه موضع‌گیری‌های وی مانند موضع‌گیری‌های موسی (ع) و به پیروی از آن حضرت بوده است. لذا در قرآن فقط این دو تن یعنی موسی (ع) و عبد صالح (ع) نام آورده شده است و از یوشع (ع) اسمی در میان نیست زیرا او در این سفر نقشی نداشته است: «(پس رفتند تا سوار شدند.... رفتند تا پسری را دیدند.... رفتند تا به دهی رسیدند....)».

أما سبب مجيء يوشع (ع) مع موسى (ع) فلأنه وصيه وخليفته بعد موته، فكان من الحكمة حضوره؛ ليتعلم مع موسى (ع) من العبد الصالح، بل إنَّ عدم حضوره هذا اللقاء وبدون سبب راجح منافع للحكمة؛ لأنه تضييع فرصة سانحة ليتعلم بها يوشع (ع).

اما دلیل آمدن یوشع (ع) با موسی (ع) این بود که وی، وصی و جانشین موسی پس از مرگش بود و حضورش از روی حکمت بود؛ تا از این طریق وی به همراه موسی (ع) از عبد صالح، دانش بیاموزد. بلکه عدم حضور وی در این ملاقات بدون دلیلی قابل قبول، منافی حکمت به شمار می‌رود؛ زیرا این عدم حضور، از دست رفتن فرصتی است که یوشع (ع) می‌تواند با آن، کسب دانش کند.

وأکید أنَّ تعليم الوصي وتهينته ليأخذ دوره الرسالي أمر ضروري و راجح خصوصاً إذا كان هذا الوصي مثل يوشع (ع) الذي سيحمل مهمة كبرى في حركة الدين الإلهي على هذه الأرض وهي فتح الأرض المقدسة، وهي بقدر أهميتها الوقتية فهي ذات أهمية أعظم في حركة الدين الإلهي الإبراهيمي الحنيف بصورة عامة.

مطمئناً آموزش دادن به وصی و آماده‌سازی او برای برعهده گرفتن نقش مکتبی، لازم و ضروری است به ویژه اگر این وصی، کسی همچون یوشع(ع) باشد که وظیفه‌ی عظیمی در نهضت دین الهی بر این زمین که همان فتح سرزمین مقدس است عهده‌دار خواهد شد. این کار علاوه بر اهمیت زمانی خاص خودش، به طور کلی در نهضت دین الهی و دین حنیف ابراهیمی، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

فمن المعلوم لدى كثير من الناس أنّ الحركة الإلهية الإبراهيمية بدأت من الشرق من أور- مدينة الناصرية الآن - في العراق ثم انتهت إلى الغرب إلى أرض مصر وشمال إفريقيا، ويوشع (ع) كان قائد الخطوة الأولى الفاتحة للأرض المقدسة في حركة عودة الإبراهيمية الحنيفية إلى الشرق، وهذا يسلط الضوء على أهمية تربية يوشع (ع) هذا القائد الإلهي المختار لهذه المهمة الكبرى، ولذا يكون اصطحاب موسى(ع) ليوشع (ع) ضرورة لا بد منها؛ ليتعلم (ع) لأنه فاتح الأرض المقدسة، وصاحب الخطوة الأولى في طريق العودة، ويحتاج لكل تعليم متاح له (ع).

به عقیده‌ی بسیاری از مردم، واضح است که جنبش الهی ابراهیمی از شرق از شهر «اور» (شهر ناصریه‌ی کنونی) در عراق آغاز شد، سپس در غرب در سرزمین مصر و شمال آفریقا خاتمه یافت. یوشع(ع) رهبر مرحله‌ی نخست در فتح سرزمین مقدس در حرکت بازگشت دین حنیف ابراهیمی به شرق بود و این اهمیت تربیت یوشع(ع)، این رهبر الهی که برای چنین مأموریت بزرگی انتخاب شده است را نشان می‌دهد. به همین دلیل این که موسی(ع) یوشع(ع) را با خود به همراه ببرد، ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده است تا وی، علم و دانش فرا بگیرد؛ زیرا او، فتح‌کننده‌ی سرزمین مقدس و صاحب اولین قدم‌ها در مسیر بازگشت می‌باشد و به هر گونه فرصت تعلیمی، نیازمند می‌باشد.

* * *

[20] - البرهان: ج 16 مج 5 ص 53.

[21] - برهان: ج 16 مج 5 ص 53.